



دکتر نسرین مصفا مدیر موسسه اجتماعی سارا

دکتر نسرین مصفا استاد دانشکده حقوق و علوم سیاسی در دانشگاه تهران است. وی به همراه گروهی از افراد خانواده و دوستان، موسسه اجتماعی سارا را برای حمایت از دانشجویان رشته‌های مختلف که امکان کمک به آنها در موسسه وجود دارد را راه اندازی کرده‌است. در این شماره از نشریه توانیاب پای صحبت‌های این استاد روابط بین‌الملل نشستیم تا انگیزه او، خانواده و دوستانش را برای تاسیس موسسه اجتماعی سارا بپرسیم. همچنین از او بخواهیم تا از دلیل اجرایی نشدن قانون جامع حمایت از حقوق معلولان برایمان بگوید. وی معتقد است کنوانسیون‌ها و قوانینی که در حمایت از گروه‌های مختلف نوشته می‌شوند حاوی واژگان زیبا و آرمانی هستند و معمولاً حمایت‌های خوبی را هم مطرح می‌کنند ولی یک شکاف اساسی با واقعیت‌های عملی دارند.

امیدواریم که از طریق این موسسه بتوانیم نام و یاد سارا مصفا را زنده نگه داریم

سخنرانی‌های علمی برای علاقمندان و دانشجویان است.

منظور شما از مشاوره علمی چیست؟
خود من در هر ماه با تعداد زیادی از دانشجویان مواجه می‌شوم که نیاز به راهنمایی علمی دارند. مثلاً برای انتخاب موضوع پایان‌نامه یا دسترسی به منابعی نیاز به کمک دارند و مایل هستند فردی به سؤالات علمی و تحقیقاتی آنها پاسخ دهد. این افراد برای اینکه بتوانند کار تحقیقاتی خود را انجام دهند به افرادی مانند من مراجعه می‌کنند. گاهی اوقات افراد شاغل در دانشگاه‌ها به دلیل مشغله کاری زیاد و در مواردی هم به دلیل نداشتن اطلاعات کافی در زمینه مورد نظر، نمی‌توانند به دانشجویان کمک کنند. ما کمک علمی را وظیفه خود می‌دانیم. البته در این فعالیت‌ها من تنها نیستم. اعضای خانواده به خصوص خواهرم، دکتر نریمان مصفا استاد دانشکده علوم پزشکی شهید بهشتی و همچنین افراد دیگری نیز به ما کمک می‌کنند. ما سعی می‌کنیم

این موسسه در اصل یک خیریه علمی است و یکی از کارهای آن کمک به دانشجویان، به خصوص دختران جوانی است که نیازمند مشاوره‌های علمی یا مشاوره‌های حقوقی هستند

دانشجویان ارائه دهیم.

خانم دکتر، لطفاً در مورد فعالیت‌های موسسه اجتماعی سارا بگویید؟

کار این موسسه در درجه اول کمک به دانشجویان، به خصوص دختران جوانی است که نیازمند مشاوره‌های علمی یا مشاوره‌های حقوقی هستند. در صورت توان در زمینه روانشناسی هم دوست داریم که بتوانیم مشاوره‌هایی ارائه دهیم. از دیگر فعالیت‌های این موسسه برگزاری کارگاه‌ها و

لطفاً خودتان را معرفی کنید.

نسرین مصفا، دارای دکترای علوم سیاسی و استاد دانشکده حقوق و علوم سیاسی در دانشگاه تهران هستم. از زمان کودکی و نوجوانی علاقه‌مند به فعالیت‌های اجتماعی بودم و سازمان‌ها و انجمن‌هایی را با مساعدت همکاران و دوستان تأسیس کرده‌ام. در سال ۱۳۹۲ برادرزاده‌ام سارا مصفا که پزشکی حاذق و مردمی بود، متعاقب یک حادثه در سی‌سالگی از دنیا رفت. این حادثه، بسیار تلخ و طاقت‌فرسا بود ولی به هر حال مشیت الهی بود و باید آن را پذیرفت. از آنجایی که خانواده ما علاقمند خدمت فرهنگی‌اند و همواره خادم جامعه بوده‌اند، تصمیم گرفتیم که موسسه‌ای را به یاد «سارا مصفا» تأسیس کنیم. سارا بسیار با هوش و به کارهای علمی و پژوهشی علاقه بسیار داشت. به همین دلیل خواستیم بنیاد اجتماعی سارا را تأسیس کنیم و البته بعد نام آن را به موسسه اجتماعی سارا تغییر داده شد. هدفمان این بود که هم نام و یاد او را زنده نگه داریم و هم بتوانیم خدمات علمی و اجتماعی را به جامعه، به ویژه



دسترسی به اطلاعات علمی را به هر طریق ممکن برای افرادی که به ما مراجعه می‌کنند فراهم کنیم. در زمینه‌های مختلف علمی کتاب‌هایی را به‌صورت رایگان در اختیار دانشجویان قرار می‌گیرند. کمک‌هایی برای تشکیل کتابخانه در نقاط دور هم انجام می‌دهیم. به خیریه‌های دیگر نیز در زمینه فراهم کردن لوازم تحصیل دانشجویان کمک می‌کنیم.

خیلی از اوقات دانشجویان در تهیه رساله‌های علمی خود و در پیدا کردن مطالب مشکل دارند که ما آنها را به کتابخانه‌های مرجع هدایت می‌کنیم. سعی داریم که فعالیت‌هایمان را منظم‌تر و بر مبنای یک نقشه راه و یا هدفمندتر دنبال کنیم.

رشته تخصصی من روابط بین‌الملل است و معلوماتی در حقوق بین‌الملل هم دارم. در این زمینه می‌توانم مشورت دهم ولی در رشته حقوق داخلی و حقوق خصوصی، دوستانی دارم که چنانچه کسی نیاز به کمک داشته باشد به آنها معرفی‌شان می‌کنیم. مشورت‌های حقوقی هم می‌دهیم. سعی می‌کنیم مشورت‌هایمان جنبه مثبت داشته‌باشد، چون وکلای جوان گاهی وقت‌ها تجربه کافی برای مشاوره برای امور خانواده ندارند و خیلی سریع افراد را در اختلافات خانوادگی به سمت طلاق سوق می‌دهند. در صورتی که ما سعی می‌کنیم با روش‌های مشورتی، این افراد را به زندگی خانوادگی خود برگردانیم.

ساز و کار حقوقی انجمن شما به چه شکل است؟ آیا هیأت امنایی دارید که از میان آنها افراد هیأت مدیره برای دوره‌های مشخصی انتخاب می‌شوند؟

ما در مجموع نه نفر هستیم که هفت نفر اعضای اصلی و دو نفر هم عضو علی‌البدل هستند. پنج نفر از این افراد اعضای خانواده و بقیه از دوستان علاقه‌مند هستند. در واقع فعالیت این موسسه در قالب یک جمع خانوادگی شکل گرفته‌است.

این موسسه از چه سالی آغاز به فعالیت کرده‌است؟

بعد از فوت دکتر سارا مصفا در ششم دی‌ماه ۱۳۹۲، با دلی غمگین تصمیم گرفتیم که چنین موسسه‌ای را ایجاد کنیم و با طی مراحل توانستیم نام آن را به ثبت برسانیم. تا به حال، با همکاری نهادهایی به خصوص کمیسیون

در هر ماه با تعداد زیادی از دانشجویان مواجه می‌شوم که برای فعالیت‌های علمی خود نیاز به کمک دارند. فردی که بتواند به سوالات علمی و تحقیقاتی آنها پاسخ دهد

این موسسه را دنبال می‌کنم. هنوز دفتر خاصی نداریم و البته کارهای موسسه را پیش می‌بریم. در مواردی هم مراجعه‌کنندگان را به دوستان وکیل معرفی می‌کنیم. افراد از طرق مختلف با ما آشنا می‌شوند. کسانی هم را خودمان در مواجهات روزمره پیدا می‌کنیم. بعضی اوقات هم دوستان و آشنایان، افرادی را به ما معرفی می‌کنند. مراجعین ما بیشتر از افراد دانشگاهی هستند.

چه برنامه‌ای برای آینده این موسسه دارید و چشم‌انداز شما چیست؟

خانواده ما اهل تفرش هستند و من دوست دارم بعد بازنشستگی، این تشکیلات را به تفرش منتقل کرده و فعالیت موسسه را در آنجا ادامه دهم. البته هنوز با این هدف فاصله زیادی داریم. من کتابخانه بزرگی دارم که امیدوارم بتوانم همراه با موسسه آن را هم به تفرش منتقل کنم و یک یادگاری از خانواده در این شهر برجای گذارم. واقعیت این است که پدر سارا که برادر بزرگ ماست از لحاظ پیشرفت علمی و فرهنگی به همه ما خیلی کمک کرده‌است. ما امیدواریم که از طریق این موسسه بتوانیم نام و یاد سارا مصفا را زنده نگاه داریم. امیدواریم که از این طریق بتوانیم خدمتی به مردم کشورمان بکنیم.

قبل از تاسیس انجمن سارا، با انجمن‌های دیگری هم کار کرده‌اید؟ من با دیگر همکاران اداری نهادهای علمی مختلفی را پایه‌گذاری کرده‌ام؛ مثل انجمن ایرانی مطالعات سازمان ملل متحد، انجمن ایرانی مطالعات زنان. عضو موسس انجمن‌های دیگری مانند؛ انجمن علوم سیاسی ایران، انجمن ایرانی روابط بین‌الملل بوده‌ام. با سمن‌هایی هم کار کرده‌ام. همیشه یک نکته را در فعالیت‌های اجتماعی مدنظر داشتم و آن این بود که اول کاری شروع شود توسعه پیدا کند و بعد به فکر ایجاد ساختار برای آن باشم، نه اینکه اول ساختار بزرگی ایجاد کنیم و اسم و رسمی را از طریق تبلیغات به هم بزنیم ولی نتوانیم از عهده آن برآیم. به نظر من از فعالیت به ساختار رسیدن عمیق‌تر و واقعی‌تر است. به‌رحال ایجاد ارتباط اجتماعی مسئولیت‌زاست. وقتی اعضای را جذب می‌کنیم، باید پاسخگویشان باشیم. چون عضویت یک رابطه دوجانبه است، هم خود موسسه مسئولیت می‌پذیرد و هم کسانی که ثبت‌نام می‌کنند و

حقوق بشر اسلامی چند برنامه علمی برگزار کرده‌ایم. در مراسم یادبود او که در حقیقت اعلام ایده تشکیل این نهاد بود سخنرانی استاد و مادر مشاوره ایران، خانم دکتر شکوه نوابی‌نژاد در مورد یک موضوع اجتماعی؛ نقش بخشش در آرامش انسان را داشتیم. جلسه دوم در مورد آثار مخرب جنگ بر بیماری‌ها بود که من و خواهرم آن را برگزار نمودیم. در جلسه سوم، استاد ارجمند، خانم دکتر نوش افرین انصاری در موضوع حقوق فرهنگی کودکان صحبت کردند. سخنرانی بعدی توسط خانم دکتر پرتو تهرانی؛ استاد دانشگاه هومبالت المان در باره امنیت غذایی بود. در سال گذشته یک گردهمایی هم در مورد اثرات مخاصمات مسلحانه بر روی کودکان، در خانه اندیشمندان علوم انسانی با همکاری جمعی از اساتید برگزار کردیم. چندی پیش در دفتر کمیسیون حقوق بشر اسلامی هم یک نشست تخصصی در مورد حقوق افراد دارای معلولیت برگزار نمودیم. معمولاً در ایام تولد سارا، یعنی بیست و هفتم شهریور و ایام فوت او که ششم دی‌ماه است، جلسات یادبود و بزرگداشت او به همراه گردهمایی‌های علمی برگزار می‌کنیم که مورد استقبال دوستان و علاقمندان قرار می‌گیرد.

اطلاع‌رسانی شما در مورد این گردهمایی‌ها و جلسات علمی از چه طریقی انجام می‌شود و مخاطبین شما چه کسانی هستند؟

ما سایتی داریم که در آن اطلاع‌رسانی می‌کنیم. علاوه بر آن از طریق کانال‌های اجتماعی مثل تلگرام نیز اخبارمان را منتشر می‌کنیم. اکثر مخاطبان ما دانشجویان و افراد دانشگاهی هستند. البته اعضای خانواده هم در این مراسم حضور پررنگ دارند. موسسه ما فعلاً عضو رسمی ندارد. خود من بیشتر فعالیت‌های

عضو می‌شوند مسئولیت دارند. همان‌طور که گفتیم به دلایل مشکلاتی که وجود داشت هنوز ساختارمند نشده‌ایم ولی امیدوارم که به تدریج به یک ساختار مناسب برسیم.

انجمن اجتماعی سارا در قالب سمن تعریف شده است؟

بله. نام این موسسه از طریق وزارت کشور به‌عنوان یک سازمان مردم‌نهاد ثبت شده‌است.

خانم دکتر! این شماره نشریه توانیاب در مورد لایحه قانون حمایت از حقوق معلولان است که به مجلس فرستاده شده‌است. به نظر شما به‌عنوان یک حقوق‌دان چرا چنین قانونی بعد از این همه مدت هنوز به نتیجه نرسیده‌است؟ آیا متن این قانون خیلی آرمان‌گرایانه و غیرقابل اجرا نیست؟

البته همان‌طوری که من گفتم حقوق‌دان نیستم و لیکن نسبت به قانون جامع حقوق معلولان تا حدودی آشنایی دارم. در ابتدا باید زمینه‌های لازم برای اجرای قانون را فراهم کرد. خیلی از مواقع شکافی بین حقوقی که مطرح می‌شود و واقعیت عملی و امکاناتی که برای تحقق این حقوق در نظر گرفته می‌شود وجود دارد. ایران متعهد اجرای کنوانسیون افراد دارای معلولیت البته با حق شرط نیز هست و فکر می‌کنم هنوز تا اجرایی شدن تمهیدات آن زمان زیادی لازم است. تلاش دولت در این زمینه وجود داشته است. اولین گزارش ایران برای اجرای کنوانسیون سال گذشته ارسال شد و کمیته آن را مورد بررسی قرارداد. نکاتی نیز به‌عنوان توصیه به ایران ارایه شد. نکاتی که در قالب سوالات و توصیه از جانب کمیته عنوان شد می‌تواند زمینه‌ساز توجه و تعامل بیشتر برای تحقق حقوق این افراد باشد. همواره یکی از دلایل اجرایی نشدن قوانین به نظر من این است که تصویب و اجرای چنین قوانینی نیاز به بودجه مناسب، افراد توانمند، بسترسازی زیادی دارد. امیدواریم که علاوه بر این قانون، برنامه ششم توسعه و همچنین حقوق شهروندی به ارتقا حمایت از افراد دارای معلولیت کمک کند.

به نظر شما مواد مندرج در لایحه حقوق معلولان تا چه حد قابل اجرا است؟

با توجه به دانش نسبی که من در حقوق بین‌الملل دارم می‌گویم که باید به این مساله توجه داشت که

ما سایتی داریم
www.sarainstitut.ir که در آن
اطلاع‌رسانی می‌کنیم. علاوه بر
آن از طریق کانال‌های اجتماعی
مثل تلگرام نیز اخبارمان را
منتشر می‌کنیم

تفاوتی است که افراد دارای معلولیت و غیرمعلول در دسترسی به امکانات دارند. در همین دانشکده حقوق و علوم سیاسی ما تعداد زیادی حقوق‌دان داریم. ولی افرادی که معلولیت دارند، در همین دانشکده مشکلات زیادی دارند. امکانات بهداشتی مناسب، کلاس‌های مجهز به سیستم بریل، مناسب‌سازی محیط خیلی مهم است. در ارتباط با اجرای قوانین، ایجاد امکانات بسیار اهمیت دارد.

همیشه وقتی تفاوت میان انتظارات و امکانات زیاد باشد، ایجاد ناراحتی می‌کند. وقتی انتظارات را بالا ببریم ولی امکانات مناسب برای دسترسی به آن انتظار، وجود ندارد مشکلاتی به وجود می‌آید.

چه آرزویی برای انجمن سارا دارید؟

ابتدا اینکه نام و یاد سارا مصفا را زنده نگه داریم و در مرحله دوم بتوانیم فعالیت موسسه اجتماعی سارا را گسترش بدهیم و به اهدافی که ایشان داشت برسیم. سارا به خدمت به سالمندان نیز علاقه بسیاری داشت و ما هم دوست داریم در فعالیت‌هایمان کارهای فرهنگی برای آنان نیز انجام دهیم و بتوانیم در جهت کرامت سالمندان خدمتی بکنیم. متأسفانه در جامعه ما مسئله نگرش به سالمندان هم خیلی با مشکل روبه‌روست. وقتی افراد به مرحله سالمندی می‌رسند به آنها به چشم افراد اضافی نگاه می‌شود! مخصوصاً سالمندانی که از امکانات مالی برخوردار نیستند خیلی سربرار خانواده تلقی می‌شوند. بنابراین باید از نظر عاطفی و از جهت احترام اجتماعی به این گروه توجه کرد. این افراد معمولاً خیلی وابسته به خانواده هستند. متأسفانه در دنیای سرمایه‌داری، محک پول است که همه‌چیز را تحت تأثیر خود قرار می‌دهد.

برگردیم به نگاه آینده،

چون تفرش سرزمین آبا و اجدادی ماست ما خاطرات کودکی و نوجوانی خوبی از آن داریم. به همین دلیل دوست داریم که به این فضا برگشتی داشته‌باشیم و بتوانیم فعالیت سمن را در تفرش ادامه دهیم. دوست داریم بتوانیم یک کار فرهنگی انجام دهیم، کتابخانه‌ای تشکیل دهیم و دوره‌های خود را در آنجا برگزار کنیم. البته سمن ما هنوز نهاد بزرگی نیست، ولی امیدوارم در آینده بتوانیم فعالیت بیشتر و بهتری برای جامعه داشته باشیم.

کنوانسیون‌ها و یا اسنادی که در حمایت از گروه‌های مختلف نوشته می‌شوند بیانگر حقوق و حمایت‌های هستند که زیبا و آرمان‌گرایانه می‌باشند. ولی شکاف با واقعیت عملی وجود دارند. باید امکانات لازم برای تحقق این قوانین هم وجود داشته‌باشد. ضمن اهمیت قوانین و حقوق بین‌الملل، اگر قرار بود دنیا با قوانین و حقوق بین‌الملل اداره می‌شد باید از آنچه هست مطلوب‌تر می‌بود. بستر لازم بسیار مهم است. واقعیت این است که چنین چیزی معمولاً اتفاق نمی‌افتد نمی‌خواهم بگویم این قانون خیلی ایده‌آل‌گرایانه نوشته‌شده ولی واقعیت این است که رسیدن به این قوانین گذشته از زمینه‌های اجرایی، به تغییر فرهنگ و نگرش نیز نیازمند است. در بحث معلولیت به نظر من واقعی نگاه کردن و تغییر نگرش‌ها از همه چیز مهم‌تر است. من سال‌ها در حقوق بشر شاگردی کرده‌ام ولی همیشه این را به‌عنوان یک آزمایش و امتحان برای خودم گذاشته‌ام که اگر روزی فردی از نزدیکان بگوید می‌خواهد با یک فرد دارای معلولیت ازدواج کند، بدون توجه به معلولیت آنان نظرم درباره ازدواج را بیان کنم. آن زمان است که من نگاه بدون تبعیض را در مورد این افراد درونی کرده‌ام. وگرنه سخنرانی کردن و شعار دادن همیشه کار راحتی است درحالی‌که تعهد به حرف‌هایی که زده می‌شود مهم است. در بحث معلولیت به نظر من مهم‌ترین مسئله تغییر نگرش افراد جامعه نسبت به افراد دارای معلولیت است. اولین نگاه که به افراد دارای معلولیت در جوامع می‌شود، نباید نگاه به معلولیت فرد باشد. درحالی‌که در کشورهای که در زمینه ارتقای حمایت از افراد دارای معلولیت بیشتر کار کرده‌اند، ابتدا صفات دیگر فرد دیده می‌شود و شاید آخرین صفتی که به آن توجه می‌شود معلولیت او است. نکته دیگر

